

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ اگست ۲۰۲۱

توهم آرامش، مرگِ نوتان مبارک!!

جمعه ۰۵ سنبله ۱۴۰۰ - کابل: انفجارات روز گذشته در میدان هوایی کابل و کشتارگاهی که به وجود آورد، گذشته از به خاک و خون کشاندن بیش از صد تن کشته و بیش از ۱۰۰ ها تن زخمی، پیام بس مهمتری را نیز با خود حمل می نمود که از لحاظ ارزش کمتر از جان انسانهای به خون غلتیده نمی باشد.

پیامی که این انفجار اعلام داشت، پیام ادامه قتل و قتال، کشتار بیگناهان، عدم امنیت و دوام خونریزی در کشور بود، پیامی بود مستقیماً به آدرس افراد و نهاد های متوهم که توهم آمدن صلح را با به قدرت رسیدن طالب نه تنها زمزمه می کردند بلکه در حد توان تبلیغ نموده از مردم می خواستند که با تسلیم شدن به طالب، امنیت جانی خویش را تضمین نمایند.

هموطنان گرامی!

همان طوری که می دانیم، بازی با کارت داعش در افغانستان را امریکائی ها قسماً به کمک پاکستان و در حدی مستقلانه و بدون حمایت پاکستان خود در اینجا آغاز نموده، در تمام مدت حاکمیت دولت دست نشانده و پوشالی "حامدکرزی" و "غنی احمدزی" در واقع آنها زیر چتر حمایتی امریکا و قطعاتی که "سیا" در افغانستان ساخته و موسوم به "قطعات صفر" بودند، امرار حیات می نمودند.

این را هم می دانیم که دولت دست نشانده "غنی احمدزی" در تمام دوران حاکمیت ضد انسانی و غدارانه اش، هر زمانی که نیاز ضربت زدن به رقبای قدرتش و یا جنبش های مردمی را احساس می نمود، به همان سانی که جهت حذف فیزیکی رقباء از قطعه صفر کمک می خواست، جهت زدن توده های مردم، داعش را به سراغ آنها فرستاده، در اثر عملیات های انفجاری آنها حتی صد ها تن را به مانند سرکوب خونین "جنبش روشنائی" و "چهار راهی زنبق" به خاک و خون می کشید.

این را هم می دانیم که در این اواخر طالب که از یک سو با امریکا و دولت دست نشانده در قطر نرد عشق می باخت و از جانب دیگر، نمی خواست جلادانش بیکار مانده، خون جاری نسازند، در هر کجائی که خون جاری می ساخت، بسیار ردیالنه شانه بالا انداخته با نپذیرفتن مسؤولیت آن را به گردن داعش می انداخت.

هموطنان گرامی!

وقتی به انفجار دیروز و ظرفیت تخریبی و قتاله آن می نگریم، نخستین سوالی که در ذهن هر انسانی می تواند به وجود آید، انتقال آنهمه مواد انفجاری تا میدان هوایی کابل، علی رغم ده ها مورد پوسته های تلاشی که تا رسیدن به میدان وجود دارد، می باشد.

هموطنان گرامی!

شاید شما هم با تجربه مشابهی مواجه شده باشید، تجربه رفتن دوستی به میدان هوایی کابل و اجبار همراهی با وی. همین چهار روز قبل یک تن از همسایگان ما که طی بازه زمانی بیش از ۴ دهه بیشتر از اعضای فامیل به یک دیگر رسیده ایم، مسافری داشت از ناروی که می بایست خود را به کشورش برساند. وی علی رغم داشتن پاسپورت ناروی و تکت پرواز از آغاز آمدن طالب تا روز پروازش یعنی در جریان ۱۰ روز بیشتر از ۸ بار به میدان هوایی کابل رفته و برگشت. قسمی که خودش قصه می کرد، از این ۸ بار، ۵ بار نرسیده به میدان از طرف نیروهای طالب که رسیدن به میدان را اجازه نمی دادند، وادار به بازگشت شده بود، در ۳ بار دیگر بعد از گذشتن از ده ها پوسته امنیتی و "چک پوینت" و تلاشی بدنی فقط در آخرین بار با برخورداری از حمایت علنی و مستقیم سفارت ناروی در جمع کارمندان آن سفارت موفق به پرواز شد.

هموطنان گرامی!

آنچه در مورد مسافر ناروی نوشتم افسانه و قصه نیست، بلکه سرگذشت زندگی روزانه هزاران هموطن ماست که می خواهند از افغانستان بیرون شوند. حال با چنین سختگیری ها و تلاشی های متواتر وقتی فردی و یا افرادی نه تنها با واسکت های انتحاری بلکه با حمل چندین کیلو مواد منفجره، آنهم در تابستان که به نسبت گرمی کسی نمی تواند لباس زیاد بپوشد و مواد منفجره را در زیر آن مخفی دارد، بلکه اکثراً با یک پیراهن تنبان در آنجا حاضر می شود، موفق می گردد تا خود را به میدان برساند، نباید پرسید که فرد و یا افراد مورد نظر از کجا آمده و از اینهمه "چک پوینت" چگونه عبور نموده اند؟

پاسخ به این سوال نمی تواند به غیر از پذیرش نقش نیروهای امنیتی و افراد موظف تلاشی در "چک پوینت" ها مقدور باشد. یعنی کسانی که با انفجار خودشان صد ها تن را به خاک و خون کشانیده اند یا می بایست از جانب امریکائی ها تا بدانجا مشایعت شده باشند و یا توسط طالب. در غیر آن می باید بپذیریم که خدا آنها را به جای باران از آسمان فرستاده است!؟

هموطنان گرامی!

انفجار روز گذشته بوضاحت نشان داد که تا هنوز با صلح و امنیت فاصله طولانی در پیش داریم آنهم در صورتی که اراده ای برای آوردنش وجود داشته باشد، پس بهتر است توهم آرامش را از دماغ خود بیرون نموده، جهت رسیدن به صلح و تأمین امنیت، نخست کمر مان را برای جنگ محکم ببندیم. در غیر آن می باید همه روزه منتظر خبر مرگ عزیزان مان باشیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!